

## ۹- انجمن داوران امور دریای نوردی لندن (۱)

زمینه پیدایش :

انجمن داوران امور دریای نوردی لندن در سال ۱۹۶۱ بوجود آمد . هدف اصلی این انجمن آنستکه حل اختلافات مربوط به امور دریای نوردی را از طریق داوران ممکن نماید . بدینجهت در انجمن، یک هیئت داوران ایجاد شده است . اعضای این هیئت در عین حال که خود اهل تجارت هستند در ضمن عضو هیئت داوران انجمن نیز می باشند . انجمن معمولاً "اعضای خود را برای داورانتصابی به طرفین اختلاف توصیه می نماید و لسی در صورت تقاضا ، داورانی را که از سوی طرفین اختلاف معرفی می شوند نیز بعنوان داور می پذیرند . این هیئت بر کار داوران نظارت می کند و ضوابط و قواعدی وضع می کند که اعضای ملزم به رعایت آنها می باشند . این انجمن ، علی رغم نامی که بر خود دارد ، تنها موسسه داوران امور دریای نوردی در لندن نیست و بدینجهت می توان گفت که داوران در مسائل دریای نوردی در آنحصا را یکن موسسه نمیباشد . اما قسمت اعظم داوران های دریای نوردی که در شهر لندن صورت می گیرد توسط این انجمن بعمل می آید .

آیین داوران :

خصیصه منحصر به فردی که در انجمن داوران امور دریای نوردی لندن وجود دارد آنستکه موسسه داوران تشریفاتی و آیین داوران قواعدی خاص بخود ندارد . این انجمن در محدوده قوانین داوران انگلیس ، مصوب سالهای

(1) London Maritime Arbitrator's Association (LMAA)

۱۹۵۰ و ۱۹۷۹<sup>(۱)</sup> عمل می‌کند. بموجب این قوانین، دادور در امور تشریفات دادوری اختیارات وسیعی دارد. بنا بر این در رسیدگی‌های اینانجمن، دادورا طرفین تقاضا نخواهد کرد که لواطی تقدیمی خود را بشکل مخصوصی تنظیم کنند. اما، انجمن دارای یک سری قواعد اختصاری<sup>(۲)</sup> می‌باشد که هدف از آنها تکمیل قوانین دادوری انگلیس، مصوب ۱۹۵۰ و ۱۹۷۹ است. این قواعد اختیاری هستند و فقط در صورت تراضی طرفین با جراء درمی‌آیند. بطور کلی، این قواعد خصوصا " (اگرچه نه منحصر) " ناظر بر مواردی هستند که دعوی فقط مستند به اسناد نباشد<sup>(۳)</sup> و در ضمن، این قواعد ممکنست به تراضی طرفین یا به حکم دادوری که به موضوع رسیدگی می‌کند تغییر نمایند.

گذشته از قوانین دادوری انگلیس مصوب ۱۹۵۰ و ۱۹۷۹، دوطی سالیان مقامات قضایی انگلیس نیز چه در دعوی داخلی و چه در اختلافات بین‌المللی اختیارات وسیعی برای نظارت بر کار دادوران برای خود ایجاد کرده‌اند. بدین جهت - از لحاظ آیین دادوری - از آنجا یک رسیدگی‌های "انجمن" در لندن بعمل می‌آید، لذا از جهت زیرتحت نظارت محاکم انگلیس قرار می‌گیرند: اولاً "از جهت رسیدگی صحیح یا ناصحیح دادور، ثانیاً "از جهت طرز برگزاری و چگونگی صدور رای در دادوری، ثالثاً "از جهت فشارهای مستقیم یا غیرمستقیم که به دادور وارد می‌شود، رابعاً "از جهت دستورات تبعی که خارج از اختیارات دادوران بوده باشد و خامساً "از لحاظ رای در مورد هزینه‌های دادوری.

لذا، می‌توان گفت که از لحاظ تشریفات، دادوری‌های انجمن

(1) English Arbitration Acts, 1950 و 1979

(2) Short Form Rules

(۳): اگر دادوری اجبار طرف مقابل به ارائه اسناد و مدارکی لازم باشد که وی نخواهد آنها را ارائه نماید، در این صورت تشریفات رسیدگی اختصاری مناسب نمی‌باشد.

بموجب شرایط این موسسه، قوانین داوری سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۹ انگلیس، رویه قضایی، وقوا عداختاری اختیاری فوق الذکر، صورت می گیرد.

### محل داوری :

محل برگزاری داوری، در داوری های انجمن داوران امور دریانوردی لندن، همیشه همان محلی است که در موافقتنامه داوری قید شده است و این محل معمولاً "شهر لندن است و در عمل مشاهده می شود که بسیاری از اسناد اجازه کشتی، شهر لندن را بعنوان محل داوری تعیین می کنند. صرف تنظیم اسناد اجازه کشتی بزبان انگلیسی بدان معنی نیست که در صورت عدم تعیین محل، حتماً " با بدرسیدگی در لندن بعمل آید.

### نصب داوران :

از لحاظ انجمن مورد بحث، برای آنکه داور بنحوصحیح نصب گردد، انجمن رعایت شرایط اساسی زیر را لازم میداند: الف - پیشنهاد داور انتخابی جهت نصب، ب - اعلام موافقت وی گرفته شود، ج - نصب داور و هویت وی باید به اطلاع طرفین داوری برسد.

گرچه انجمن داوران امور دریانوردی لندن فهرستی از اسامی داوران ترتیب داده است، ولی هرکسی که دارای اطلاعات دریانوردی بوده، حتی اگر نام وی در فهرست مزبور قرار نداشته باشد، می تواند بعنوان داور منصوب شود. اما، داور باید مشخصات ویژه و معینتی را احراز نماید تا بتوان وی را به این سمت منصوب نمود. مثلاً، "در داوری های دریانوردی معمولاً" طرفین شرط می کنند که داوران باید از میان "اهل تجارت" انتخاب شوند و گاه قیدی نمایند که وکلاء بعنوان داور انتخاب نخواهند شد.

در دعوی شرکت کشتیرانی "راهکاسی" علیه خط کشتیرانی "بلواستار"<sup>(۱)</sup> که در سال ۱۹۶۷ برگزار شد، شرط داوری مقرر می‌کرد که هم داورها و هم سرداور باید از "اهل تجارت" و نه از میان وکلا انتخاب شوند. ولی بر اثر اختلافاتی که پیش آمد، داورانی برای رسیدگی به موضوع انتخاب شدند ولی آنها موفق به انتخاب سرداور نگردیدند و لذا شخصی را که به حرفه وکالت اشتغال داشت به این سمت برگزیدند. رای سرداور با استناد عدم صلاحیت وی مسورد ایراد "راهکاسی" واقع شد.

"راسکیل جی"<sup>(۲)</sup>، قاضی انگلیسی، چنین نظر داد: "اعم از این که تعریف دقیق "اهل تجارت" لازم باشد یا نه ولی نصب یک وکیل بعنوان سرداور کار غلطی بوده و بدون کسب اختیارات لازم صورت گرفته است."

معمولا "طرفین میل دارند که اختلاف آنها مورد رسیدگی داور واحدی قرار گیرد، مگر آنکه به ترتیب دیگری تراضی نموده باشند. گذشته از این، بموجب حقوق انگلیس، اگر طرفین نیست خود را در مورد تعداد داوران صراحتا "بیان ننموده باشند، رسیدگی به دعوی از طریق داور واحد صورت خواهد گرفت.

داور واحد با تراضی طرفین انتخاب می‌شود، اما چنانچه طرفین بر سر داور به توافق نرسند می‌توانند از دادگاه عالی انگلیس<sup>(۳)</sup> یا یکی از قضات آن تقاضا نمایند که تعیین داور

---

(1) Rahcassi Shipping Co SA V. Blue Star Line Ltd.

(2) Roskill J.

(3) English High Court

کنند. داوری که بدین ترتیب تعیین می‌شود در حکم داوری است که به تراضی طرفین انتخاب شده باشد.

در داوری‌های مربوط به امور دریا نوردی چه بسا اتفاق می‌افتد که تنها دو داور شرکت داشته باشند. در این صورت هریک از داوران، منتخب یکی از طرفین است و اگر دو داور مزبور به توافق نرسند، داور ثالثی با انتخاب دو داور مذکور نصب می‌شود که سرداور خوانده می‌شود. در این صورت، دو داور، اختلاف نظر خود را به اطلاع سرداور می‌رسانند تا وی در مورد قضیه اخذ تصمیم نماید. دو داور مزبور، در صورت تقاضای طرفین دعوی ممکنست در مقابل سرداور همچون نمایندگان دو طرف عمل نمایند. بموجب شرایط انجمن داوران امور دریا نوردی لندن وقتی سرداور نصب شد، داوران حکم نمایندگان طرفین اختلاف را خواهند داشت. سرداور رئیس هیئت داوری بشمار می‌رود و رای وی قطعی و برای طرفین لازم الاتباع خواهد بود.

در دعوی "ترماریا" علیه "آر. سالی" (۱)، مربوط به سال ۱۹۷۹، این سؤال مطرح گردید که چه وقت نصب سرداور لازم است. "آر. سالی" علیه اجاره کنندگان کشتی "ترماریا" در مورد دموراژ که هم در بندر بارگیری و هم بندر تخلیه بار رخ داده بود دعوایی طرح نمود. شرط داوری در اجاره نامه کشتی مقرر می‌نمود که داوری بوسیله یک هیئت سه نفره صورت خواهد گرفت، بدین ترتیب که هر یک از طرفین، داوری تعیین خواهد نمود و داور ثالث نیز بوسیله دو داور مزبور انتخاب خواهد گردید. "آر. سالی" داور خود

---

(1) Termarea SRL V. R. Sally

را انتخاب نمود ولی "ترماریا" از معرفی داور اجتناب نمود. در نتیجه، "آر. سالی" با رعایت قسمت دیگری از شرط داوری اقدام به انتخاب داور برای طرف مقابل خود یعنی "ترماریا" نیز نمود و این عمل خود را به اطلاع "ترماریا" رسانید، "آر. سالی" سه دو داور اطلاع داد که بموجب شرط داوری لازمست سرداوری نیز بوسیله آن دونفر انتخاب گردد ولی در این مرحله نیازی به وجود وی احساس نمی شود.

دو داور بنفع "آر. سالی" رای دادند و داور ثالث نیز هرگز انتخاب نگردید.

سپس، بموجب قسمت ۲۶ از قانون داوری انگلیس مصوب سال ۱۹۵۰، قاضی در مورد رای دستوری صادر نمود و اعتبار حکم دادگاه را بدان داد. "ترماریا" بدین حکم اعتراض نموده و مدعی شد که چون سرداوری انتخاب نگردیده بود، داوران از قسمت S.8 قانون داوری سال ۱۹۵۰ و همچنین از شرط داوری مندرج در اجاره نامه تخطی کرده اند.

قاضی دادگاه که "موکاتا جی" (۱)، نام داشت چنیسین اظهار نظر نمود:

بنظر میرسد که بموجب قسمت S.8(1)، آقایان "پاتر" (۲) و "دیویس" (۳) (دو داور) بمحض آنکه انتخاب شدند، باید فوراً "سرداور" را تعیین می نمودند.

---

(1) Mocatta J.

(2) Potter

(3) Davis

اما به نظر من ، این امر ، ایشان را از صلاحیتی که در مورد رسیدگی به موضوع داشتند محروم نمی‌نماید. زیرا در قسمت (2) s.8 ملاحظه می‌شود که سرداور وقتی ممکن است وارد قضیه شود که دو داور اولیه کتبا " به وی اطلاع دهند که قادر به توافق نیستند. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که اگر دو داور به توافق برسند چنانکه در این مورد رسیده‌اند صلاحیت خواهند داشت ، که بدون دعوت از سرداور اقدام به انشاء رأی نمایند .

گاهی ممکنست شرط داوری مقرر نماید که داوری توسط هیئتی سه نفره انجام شود. در اینصورت ، داوران در وضعیت مشابه و مساوی قرار می‌گیرند . اگر رای با توافق آراء ممکن نباشد ، رای دو نفر بمنزله رای اکثریت خواهد بود. در این نوع هیئت‌های داوری ، هر یک از طرفین ، داور خود را معرفی می‌نماید و دو داور مزبور ، داور ثالث را مشخص می‌کنند . در اینجا نیز ، اگر داوران نتوانند به توافق برسند می‌توان برای انتخاب داور ثالث از دادگاه عالی انگلیس استعاده نمود .

بسیار اتفاق می‌افتد که طرفین ، شرط داوری نمونه‌ای را که انجمن داوران امور دریانوردی لندن تهیه کرده ، در قرارداد خود می‌گنجانند . بموجب این شرط ، چنانچه احدی از طرفین داور خود را معرفی ننماید ، طرف دیگر می‌تواند از دبیرانجمن بخواهد که داوری تعیین کند .

ملاحیث داور :

---

در داوری‌های انجمن، صلاحیت داور از نصب صحیح وی نشأت می‌گیرد. در حقوق انگلیس اگر در صلاحیت داور تردید شود، او را سا " نمی‌تواند در خصوص صلاحیت خود اخذ تصمیم کند و تنها مرجعی که در این مورد حق رسیدگی دارد دادگاه است. و طرفین باید برای احراز این امر به دادگاه مراجعه نمایند. این نکته در مورد داوری‌های بین‌المللی که در انگلیس بعمل می‌آید نیز صادق دارد.

داور اختیار دارد که بنا به ملاحظات امنیتی شرایطی وضع نماید و همچنین می‌تواند دستور دهد از اموالی که موضوع رسیدگی است بازدید بعمل آید.

در دعوی "واسو" ( صاحب کشتی ) علیه "واسو" ( صاحب محموله )<sup>(۱)</sup>، کشتی "واسو" که در حال حمل محموله‌ای مرکب از عایق‌های سفیداز "والنسیا"<sup>(۲)</sup> به کویت بود طعمه حریق گردید و صدمه کلی دید، بطوریکه این احتمال پیدا شد که بعنوان کشتی منهدم و غیرقابل استفاده اعلام گردد.

این کشتی بموجب موافقتنامه نمونه نجات کشتی بنام "لویدز فورم"<sup>(۳)</sup> به بندر، یدک کشیده شد و داوری نیز از جانب کمیته لویدز"<sup>(۴)</sup> برای رسیدگی به موضوع نصب گردید.

در اشناي رسیدگی صاحبان کشتی از داور تقاضا کردند که

---

(1) Vasso (Owners) V. Vasso (Cargo Owners)

(2) Valencia

(3) Lloyd's Form

(4) Committee of Lloyd's



بموجب قسمت 1/12.S قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۵۰ دستوری صادر کند مبنی بر اینکه کارشناسان آنها وارد کشتی شوند و در مورد منشاء حریق و میزان خسارات بررسی بعمل آورند.

داور بنا به سابقه‌های (۱) که در این زمینه وجود داشت و دادگاه امور دریایی (۲) توانسته بود در جریان رسیدگی به دعوی دستور بازرسی دهد، چنین اقدامی بعمل آورد. بر اساس این سابقه :

... بازرسی توسط کارشناسان ( اگر آن عمل از ایمن راه قابل رسیدگی باشد ) ، یا توسط هر طرف یا شاهدی از کشتی یا دیگر اموال ، اعم از منقول یا غیرمنقول ، ممکن است به منظور کسب اطلاعات کامل یا مدرک در رابطه با هر مسئله تحت رسیدگی، لازم یا مطلوب باشد.

مالک کشتی که به این دستور اعتراض کرده بود عقیده داشت که داور فاقد هرگونه اختیاری در این زمینه است زیرا بند (g) (6) S از قانون داوری سال ۱۹۵۰ انگلیس تنها به دادگاه عالی این کشور صلاحیت انحصاری صدور دستور بازرسی از اموال موضوع رسیدگی در داوری را اعطاء کرده است .

قاضی محکمه ، لوید جی (۳) ، نظر داد که داور صلاحیت صدور دستور بازرسی از اموال را دارد زیرا اموال مزبور به طرفین داوری تعلق داشته و یا اینکه موضوع داوری می‌باشند .

---

(1) RSC. Ord 75.r.28.

(2) Court in Admiralty

(3) Lloyd J.

بهرحال در مواقعی که طرف‌خواهان در داوری متهم بسسه سستی می‌شود، صلاحیت‌داور تا بدان حد افزایش نمی‌یابد که بتواند به خاطر تقاضای تعقیب موضوع، دستور به قطع جریان داوری دهد. در دعوی "برمر ولکان"<sup>(۱)</sup> یک شرکت کشتی‌سازی آلمانی تعهد کرده بود که پنج کشتی مخصوص حمل کالاهای فله، برای یک موسسه هندی بسازد. درعین حال قرار بود که قانون آلمان ناظر بر قرارداد باشد و در صورت بروز اختلاف به داوری در لندن رجوع شود.

خلاصه اینکه پس از تحویل، اختلافاتی میان طرفین در مورد نقص ادعایی در ساخت کشتی‌ها پدیدار گشت. بیش از چهار سال و نیم از تحویل کشتی‌ها گذشت و طرفین هنوز نتوانسته بودند به توافقی دست یابند و سرانجام مالکین کشتی‌ها یا دداشتی برای سازندگان آنها فرستادند و قصدشان را مبنی بر توسل به داوری اعلام نمودند.

طرفین در لندن داوری را جهت رسیدگی به اختلافاتشان منصوب کردند، اما نتیجه‌ای عاید نشد و پس از گذشت پنج سال از نصب‌داور تنها در مورد آئین داوری توافقی بعمل آمد. در پی آن سازندگان کشتی طی یادداشتی از دادگاه خواستند که بسسه خواهان دستور دهد از تعقیب بیشتر دعوی خودداری ورزد. آنان همچنین از دادگاه درخواست کردند اعلام نماید که داور اختیار دارد داوری را به خاطر تقاضای تعقیب موضوع متوقف سازد.

"دونالدسون جی"<sup>(۲)</sup> قاضی دادگاه عالی انگلیس با صدور

---

(1) Bermer Vulkan

(2) Donaldson J

دستور فوق موافقت کرد. وی در مورد صلاحیت چنین اظهار داشت که دادگاه و همینطور داور حق دارند طاع خواهان از ادامه جریان داوری گردند، مشروط بر اینکه عمل آنها بصورتی باشد که اگر موضوع قانوناً "تحت رسیدگی قرار گیرد، رسیدگی مزبور به خاطر تقاضای تعقیب موضوع قطع گردد.

بهر حال، در این مورد نه دادگاه استیناف با رای "دونالدسون جی" موافقت کرد و نه مجلس لردهای انگلیس. "لرد دیپلاک" (۱) پس از بیان این نقطه نظر کسه داور حق ندارد داوری را با استناد تقاضای تعقیب متوقف سازد، در مجلس لردها گفت که:

بخش 5:5 از قانون داوری ۱۹۷۹ انگلیس داور را قادر می سازد از دادگاه عالی ضمناً "کسب اختیار کند که در صورت عدم اجرای دستور دعوایی را به خاطر تقاضای تعقیب موضوع متوقف سازد، حتی اگر اعمال چنین اختیاری با مفاد صریح موافقتنامه داوری منابرت داشته باشد ولی هیچ یک از اختیارات اعطایی به داور یا سرداور به موجب موافقتنامه داوری یا از طریق دیگر را ملغی نمی کند، لیک این بخش از قانون به اختیارات از پیش داده شده به داور لطمه ای نمی زند. گرچه بدون شک در مورد داوری هایی که بر اساس قانون جدید برپا می گردند، داور در صورت توسل به بخش پنج از خطر احتمالی هرگونه اتهام سوء رفتاری که ممکن است علیه وی درآینده بعمل آید

(1) Lord Diplock

اجتناب خواهد کرد.

"لرد اسکارمن"<sup>(۱)</sup> نیز از مجلس لردها معتقد بود که :

طبق قوانین پیش از ۱۹۷۹ در مورد داوری، نمی توان هیچگونه توجیهی برای این نقطه نظر یافت که داور بتواند داوری را به خاطر تقاضای تعقیب موضوع متوقف سازد. اختیارات داور تنها به صدور رای در ماهیت موضوع محدود می گشت. شدیدترین موردی که به متوقف ساختن داوری بر پایه تاخیر وجود داشت آن بود که داور می توانست تاریخی را برای استماع و صدور رای در مورد ماهیت موضوع تعیین نماید و در این تاریخ بر پایه مدارکی که تا آن زمان موجود بود رای خود را صادر کند ( نه اینکه داوری را به خاطر تعقیب بیشتر درباره موضوع متوقف سازد).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

---

(1): Lord. Scarman

به نقل از :

Eric Lee ed., Encyclopedia of International Commercial Arbitration (London: Lloyds of London Press Ltd., 1986), PP. 537-555, Passim